

## زنان جهان اسلام و رویکردهای پیش‌رو

### گفت‌وگوی علمی با دکتر ابراهیم شفیعی سروستانی

دکتر ابراهیم شفیعی سروستانی در سال ۱۳۴۳ در شیراز متولد شد. با پایان تحصیلات متوسطه در سال ۱۳۶۲، دروس حوزوی را در همان شهر آغاز کرد و در سال ۱۳۶۵ پس از گذراندن دروس مرحله اول سطح، برای ادامه تحصیل به شهر مقدس قم مهاجرت نمود. هم‌زمان با گذراندن دوره اول درس خارج فقه و اصول و اخذ مدرک سطح چهار حوزه علمیه قم (دکترا) تحصیلات دانشگاهی را نیز تا مقطع کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی به پایان رساند.

حوزه تخصصی مطالعه و پژوهش دکتر شفیعی سروستانی، فقه جزایی اسلام، مباحث زنان و موضوع مهدویت است و در این زمینه‌ها تا کنون ده‌ها اثر پژوهشی به صورت کتاب، رساله و مقاله وی تدوین و منتشر نموده، که هشت مورد از آنها پژوهش برگزیده، تشویقی و برتر سال انتخاب شده است.

#### عناوین برخی از آثار تألیفی ایشان به شرح زیر است:

قانون دیات و مقتضیات زمان (کارگروهی)، شهادت زنان در فقه اسلامی، تفاوت زن و مرد در دیه و قصاص، قانون‌گذاری در نظام جمهوری اسلامی (آسیب‌ها و بایسته‌ها)، حجاب: مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی، جریان‌شناسی دفاع از حقوق زنان در ایران، نظام اسلامی و مسئله روسپیگری، حقوق مؤمنان از دیدگان خاتم پیامبر (ص)، معرفت امام زمان (عج) و تفکیک منتظران.

ایشان در حال حاضر، مدیر کل پژوهش مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، مدرس دانشکده صدا و سیما و دبیر تحریریه مجله موعود می‌باشند. نشریه «طهورا» برای بهره‌مند شدن از تجربیات ارزشمند استاد، شفیعی سروستانی و آشنا کردن خوانندگان عزیز گفتگوی علمی کوتاهی با ایشان به عمل آورده است که با هم می‌خوانیم.

## پهلولا: مهم‌ترین رویکردهایی که در حال در جهان اسلام در زمینه مباحث زنان وجود

دارند، کدامند؟

• در حال حاضر جهان اسلام با پنج رویکرد و جریان فکری مواجه است که هر کدام به طور مشخص در حوزه مباحث زنان تأثیر دارند و برآیند این رویکردها تعیین‌کننده وضعیت زنان در جهان اسلام می‌باشد. به بیان دیگر با توجه به اینکه کدام یک از این جریان‌ها یا رویکردها در جهان اسلام قوت بگیرد، می‌توانیم وضعیت آینده زنان در جهان اسلام را پیش‌بینی کنیم.

**نخستین رویکرد با حضور مستقیم غرب (با رسانه‌ها یا حضور فیزیکی عواملشان در کشورهای مسلمان) و با هدف تشکیل خاورمیانه بزرگ و تغییر جریان‌های فکری جهان اسلام به سوی غرب (به ویژه آمریکا) شکل گرفته است.** این رویکرد هم اکنون در عراق و افغانستان به روشنی قابل مشاهده است. غرب در این مناطق از قدرت نظامی و سلطه سیاسی خود برای تحمیل نظرات و دیدگاهش در حوزه زنان استفاده کرده است و با پشتیبانی از سازمان‌ها و انجمن‌های زنان و همچنین دخالت در سیاست‌گذاری‌ها و قانون‌گذاری‌های این کشورها مباحث زنان را آن گونه که خود می‌پسندد شکل داده و در حال تغییر ساختار سنتی این کشورها در حوزه مسایل زنان است. هدف اصلی این تلاش‌ها و اقدام‌های غرب تغییر رویکرد جهان اسلام نسبت به آمریکا و تحقق اهداف فرهنگی آمریکا و غرب در این کشورهاست.

**رویکرد و جریان دوم، گرایش‌های روشنفکری متأثر از غرب است.** رویکرد اول به جز حضور فیزیکی و مستقیم در کشورهای اسلامی، این جریان روشنفکری داخلی را نیز تقویت می‌کند تا طرح مورد نظر آمریکا و غرب در حوزه زنان را به طور غیر مستقیم در کشورهای اسلامی پیاده کند. هم اکنون در بیشتر کشورهای اسلامی جریان روشنفکری متأثر از غرب که مروج و مبلغ غرب در حوزه مباحث زنان است، دیده می‌شود.

رویکرد روشنفکری متأثر از غرب را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد؛ نخست رویکرد روشنفکری سکولار یعنی، گرایش‌های روشنفکری که اساساً اعتقادی به اسلام و آموزه‌های اسلامی ندارند و دوم رویکرد روشنفکری دینی که توسط روشنفکران مسلمان که رویکردهای تجددگرایانه دارند به وجود آمده است. این افراد، به طور فردی به اسلام مقیدند، ولی در مسایل سیاسی و اجتماعی به دنبال تفسیرها و تعبیرهای جدیدی از دینند که دین را با دستاوردهای حقوق بشر متناسب کنند؛ یعنی تفسیرهای حقوق بشرپسندانه از اسلام ارایه می‌دهند. آنها غرب و آموزه‌های

غربی را اصل و پایه می‌دانند و می‌خواهند اسلام را با آن هماهنگ نمایند.

**سومین رویکرد فعال در کشورهای اسلامی، جریان بنیادگرایانه اسلامی از نوع طالبانی و سلفی‌گری است.** این رویکرد با هر گونه تغییر و تحول در جوامع اسلامی و بهره‌گیری از دستاوردهای تمدن بشری و... مقاومت می‌کند و بر همین اساس، محدودیت‌هایی را بر زنان تحمیل می‌نماید که نه مورد قبول شرع است نه عقل.

**رویکرد چهارم که بستری برای جریان قبلی است، جریان‌های سنتی رایج در کشورهای اسلامی است.** این رویکرد، با تأکید بر آداب و رسوم و سنت‌های شکل گرفته در جوامع اسلامی که بسیاری از آنها هم بی ارتباط با اسلام است در عمل موجب تضعیف حقوق زنان می‌شود. این رویکرد در کشورهای حاشیه خلیج فارس و در شمال آفریقا به روشنی دیده می‌شود. این جریان‌های سنتی هر چند با نام احکام اسلام محدودیت‌های خود را بر زنان تحمیل می‌کنند، ولی چنانکه گفته شد از سنت‌های قومی، ملی، آداب و رسوم و فرهنگ بومی بیشتر تأثیر گرفته است. با این حال پیامدهای منفی آن به نام اسلام تمام می‌شود.

**رویکرد و جریان پنجم، جریان اسلام‌گرایی با افکار اصول‌گرایانه یا رویکرد متعادل متأثر از انقلاب اسلامی است.** مهم‌ترین ویژگی این رویکرد یا جریان اصول‌گرایانه، پرهیز از تجددمآبی و تحجرگرایی است. ایجاد جریان اصول‌گرایی یا به تعبیر غربی‌ها بنیادگرایی در جهان، از دستاوردهای انقلاب اسلامی است. این بنیادگرایی (جریان بازگشت مجدد به ارزش‌ها) که در ادیان و کشورهای مختلف شکل گرفته است، تحت تأثیر انقلاب اسلامی در جهان رشد کرده و قدرت یافته است.

بازگشت مجدد به اسلام که بنیادگرایی یا اصول‌اسلامی نیز نامیده می‌شود ممکن است چهره‌های ناخوشایندی نیز به خود بگیرد؛ مثلاً در جنبش‌هایی مثل جنبش طالبان، به علت پس‌زمینه‌های مذهبی تحجرگرایانه ناشی از تفکرات وهابی، به انحراف رفته است، ولی در محیط شیعی ایران «بنیادگرایی و اصول‌گرایی» شکل و نمود خوشایند و قابل پذیرشی دارد که امروزه مظاهر آن را می‌بینیم.

رویکردهای پنج‌گانه که توضیح داده شد در همه کشورهای اسلامی در حوزه زنان وجود دارد، فقط عناصر و افراد آن متفاوتند. مثلاً جریان سنتی در ایران چندان قوی نیست، ولی همین جریان در

شمال آفریقا، کشورهای حاشیه خلیج فارس و عربستان بسیار قوی است. یا جریان روشنفکری متأثر از غرب در کشورهای مختلف اسلامی مشترکاتی دارد، اما به دلیل بسترهای متفاوتی که در کشورهای اسلامی داشته، (مثلاً در مصر) ممکن است در کشوری بیش از دیگر کشورها مشاهده شود.

**پهلو:** چگونه می‌توان سه جریان اصول‌گرایی، تحجرگرایی و تجددمآبی را از هم تفکیک کرد؟

• برای تشخیص و تبیین رویکرد اصول‌گرایی، تحجرگرایی و تجددمآبی، ملاک و شاخص ما نحوه روبه‌رویی اشخاص یا جریان‌ها با تحولات دنیای مدرن است که به سه شکل ایجاد شده است:

۱- **تجددمآبی:** این گروه، تحولات دنیا مدرن را اصل می‌دانند و معتقدند که باید با دستاوردهای مدرنیته و توسعه هم‌قدم شد، هر چند منجر به تفسیر و تأویل آموزه‌های دینی (چه آیات قرآن، چه روایات) شود. این افراد تلاش می‌کنند با تفسیر جدید آیات و روایات، قرائتی از اسلام ارائه دهند که کاملاً با اصول و چارچوب‌های پذیرفته شده در تمدن غربی، به ویژه حقوق بشر هماهنگ و منطبق باشد.

۲- **تحجرگرایی:** این جریان در برخورد با تحولات و دستاوردهای دنیای مدرن، یکسره راه نفی و انکار را در پیش می‌گیرد و معتقد است که اسلام فقط با شرایط فرهنگی و اجتماعی خاص هماهنگی دارد و همراهی با تحولات جدید، منجر به نفی اسلام می‌شود. این گروه با هر چیز نو و جدیدی مخالفت می‌کنند؛ چرا که نمی‌توانند خود را با آن وفق دهند.

۳- **اصول‌گرایی:** این رویکرد هم به تحولات دنیای جدید توجه دارد و هم به اصول و آموزه‌های دینی. اصول‌گرایان تلاش می‌کنند بر اساس اصول و آموزه‌های دینی و حفظ آنها، خود را با تغییرات جدید هماهنگ کنند. به نظر این افراد فقه می‌تواند با بهره‌گیری از مکانیزم‌های اجتهاد و با حفظ اصول، آموزه‌های اسلامی را به گونه‌ای منعطف سازد که در هر زمانی پاسخگوی نیازهای جامعه اسلامی خود باشد.

همانگونه که امام (ره) و مقام معظم رهبری (دامت برکاته) بارها تأکید کرده‌اند، آنچه امروز خطری جدی برای جهان اسلام در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از جمله در مسئله زنان است، جریان گرایش به غرب است، چه روشن‌فکران سکولار و چه روشن‌فکران دینی تجددمآب.

آقای ریچارد نیکسون، استراتژیست و نظریه‌پرداز بزرگ آمریکایی در سال ۱۹۹۱، یعنی، بعد از فروپاشی شوروی کتابی با عنوان فرصت را دریابیم تألیف کرده است که در آن استراتژی آمریکا را

برای ورود به دوران جدید تبیین می‌کند. به نظر او امروزه سه جریان در دنیای اسلام وجود دارد. جریان بنیادگرایی، رادیکالیسم و تجددگرایی. وی بنیادگرایی را اینگونه تعریف می‌کند:

این گروه را نفرت شدید از غرب و تصمیم به اعاده برتری تمدن اسلامی از راه زنده کردن گذشته آن به حرکت در می‌آورد. قصد ایشان حاکم کردن شریعت است؛ یعنی مجموعه قوانینی که پایه در دین دارد. قرآنی که دین و دولت را از هم جدا نمی‌داند. اینان گرچه گذشته را راهنمای آینده می‌دانند، انقلابی‌اند نه محافظه‌کار. می‌خواهند پیش از ساختن دنیای نو، دنیای کهن را نابود کنند.<sup>۱</sup>

او جریان تجددطلبان مسلمان را این‌گونه تعریف می‌کند:

جریان سیاسی هوادار تجدد که از همه غالب‌تر و در عین حال از همه نامحسوس‌تر است، در پی آن است که کشورهای جهان اسلام را چه از لحاظ اقتصادی و چه از لحاظ سیاسی جزء دنیای جدید کند. تساهل و مدارا دستمایه اصلی اسلام تجدد طلب است که ملت‌های غرب را کافر نمی‌شمارد و محکوم نمی‌کند، بلکه از ایشان مثل سایر اهل کتاب با روی باز استقبال می‌کند... پیام اصلی رهبران سیاسی تجدد طلب این است که کشورهایشان باید بهترین ارمغان‌های غرب را نیز با فرهنگ و قواعد اجتماعی ملت خود ترکیب کنند.<sup>۲</sup>

نیکسون آنگاه نتیجه می‌گیرد:

ما باید تجددطلبان را در جهان اسلام پیشتیبانی کنیم که این هم به سود ماست هم به سود آنها. این گروه باید راه سومی به جز راه بنیادگرایی افراطی و دنیوی‌گرایی رادیکال پیش پای ملت‌های خود بگذارند.<sup>۳</sup>

در تقسیم‌بندی فوق بنیادگرایی افراطی همان اصول‌گرایی اسلامی است؛ دنیوی‌گرایان رادیکال، همان روشنفکران سکولار هستند. بر این اساس، باید بین روشنفکری سکولار و اصول‌گرایی، راه سومی انتخاب شود که همان رویکرد تجددمآبی در جهان اسلام است این جریان باید فاصله بین جریان روشنفکری سکولار و اصول‌گرایی را پر کند.

خانم نیره توحیدی، یکی از نظریه‌پردازان ایرانی فمینیسم که در حال حاضر مقیم آمریکاست، در مقطعی فمینیسم اسلامی را رد می‌کند، با این استدلال که فمینیسم و اسلام قابل جمع شدن نیستند،

ولی در مقاله دیگری مطرح می‌کند: «وقتی ملاحظه می‌شود برخی خانم‌های چادری و برخی عمامه به سرها حرف‌هایی می‌زنند که من جرأت مطرح کردن آن را ندارم، به آینده فمینیسم اسلامی امیدوار می‌شوم».

بیشترین ضربه‌ها را در چند سال گذشته همین جریان روشنفکران مسلمان یا ملی-مذهبی به انقلاب ما زده‌اند. مثلاً استحاله انجمن‌های اسلامی دانشگاه‌ها با نفوذ این جریان شروع شد. در حوزه زنان نیز دقیقاً این اتفاق افتاده است؛ یعنی گروه‌ها و اقشاری که مسلمان و انقلابی بودند متأثر از اندیشه‌های این افراد و وابستگان‌شان چنان استحاله شدند که در حوزه مسایل زنان رویکردهایی را اتخاذ کردند که هیچ تفاوتی با رویکردهای روشنفکران سکولار نیست. پس به طور کلی چون این جریان ظاهر اسلامی دارد، اگرچه بطن آن هیچ تفاوتی با جریان سکولار ندارد، می‌تواند در دراز مدت در جهان اسلام پایگاه و بستری مناسب بیابد و به همین دلیل برای جهان اسلام چه در عرصه‌های سیاسی و چه در حوزه زنان خطرناک است.

**پهلور:** رویکرد روشنفکری متأثر از غرب در مصر، حتی قبل از حضور آمریکایی‌ها در منطقه

**خاورمیانه نیز ایجاد شده بود، این مسئله را چگونه می‌توان تبیین کرد؟**

• حضور مستقیم آمریکا و غرب در منطقه، بیشتر مربوط به چند سال اخیر است که آمریکا و غرب به دلیل وقوع انقلاب اسلامی ایران و تغییر ذهنیت مردم منطقه نسبت به آنها موقعیت خود را در خاورمیانه از دست رفته می‌دیدند و احساس می‌کردند ضدیت با آمریکا و غرب در خاورمیانه نهادینه شده است. از این رو، طرح خاورمیانه بزرگ را با اهداف فرهنگی یعنی، تغییر متون آموزشی مدارس، ایجاد مؤسسات و سازمان‌های فرهنگی، مؤسسات و سازمان‌های وابسته به زنان ریختند تا رویکرد ضد آمریکایی مردم خاورمیانه را که تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایجاد شده بود، تغییر دهند. البته قبل از حضور مستقیم آمریکا در منطقه، رویکرد روشنفکری در جهان اسلام وجود داشت که این رویکرد در مصر و لبنان سابقه بیشتری دارد و علت آن ویژگی‌های فرهنگی منطقه، رابطه زیاد آنها با جهان غرب و حضور علمایی که رگه‌های روشنفکری داشتند در این کشورها بود. با این حال در سال‌های اخیر رویکردهای اسلامی در این کشورها متأثر از انقلاب اسلامی ایران فعال‌تر شده است و نوگرایایی که هم می‌خواهند آموزه‌های اسلامی خود را حفظ کنند و هم مبانی عصر جدید را داشته باشند، فعالیت دارند، در حالی که در گذشته جریان سنتی، قوی‌تر بوده است.

**پهول:** اگر نفوذ غرب را از نظر فرهنگی در جهان اسلام بپذیریم، به طور یقین وجود کمبودها و خلأهایی در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و حقوقی در جوامع اسلامی باعث این تأثیر و نفوذ شده است. به نظر شما این خلأها بیشتر در چه مواردی است؟

- پاسخ این سؤال در آسیب‌های جریان اصول‌گرا نهفته است. رویکرد اصول‌گرا برای کسب موفقیت در داخل و خارج از کشور ایران و و ارایه الگوهای نو به جهان اسلام باید بر آسیب‌های خود غلبه کند.

اولین و مهم‌ترین آسیبی که این رویکرد دارد تبیین نشدن بسیاری از مبانی و اصول آنها در حوزه زنان است. بسیاری از دیدگاه‌های این جریان هنوز بر مبنای روش‌های اجتهادی مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است و این جریان هنوز نتوانسته است در برنامه‌ریزی، قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری، مبانی و اصول مورد نظر خود را به طور کامل حاکم کند. البته گام‌های خوبی در این زمینه برداشته شده و فعالیت‌هایی نیز آغاز شده است، ولی هنوز تا پایان راه، فاصله زیادی مانده است.

بعد از مشخص کردن اصول و پایه‌های این رویکرد باید الگوی جامع حقوق و شخصیت زن را بر مبنای اصول ارایه داد. «الگو»، حاصل ضرب اصول و مبانی در شرایط زمانی و مکانی است؛ یعنی باید اصول و مبانی‌ای را که از منابع اولیه استنباط کرده‌ایم با شرایط کنونی جامعه مرتبط و متناسب کنیم و الگویی مناسب از آن ارایه دهیم. برای ارایه الگو باید به مقتضیات زمانی و مکانی توجه شود که از این مسئله غفلت شده است. پس از تبیین الگو باید برنامه عمل تهیه شود؛ یعنی مشخص شود بر اساس چه برنامه زمانی می‌توان از وضع موجود به وضع مطلوب رسید و الگوها را نهادینه کرد. بنابراین، یکی از آسیب‌های نظری، تبیین نشدن اصول، مبانی و الگوهاست.

آسیب دوم این است که بخش‌های مختلف جریان اصول‌گرا، ارتباط و انسجام نهادینه شده ندارند و به بیان دیگر میان این جریان ارتباط و هم‌افزایی لازم وجود ندارد و نمی‌توانند توانمندی‌های بالقوه گروه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای وابسته به این جریان را چنانکه باید در جهت تحقق اهدافشان بسیج کنند.

آسیب سوم این رویکرد، نداشتن عزم و اراده جدی برای تحقق ارزش‌ها و آرمان‌هایی است که مطرح می‌کنند. اصول‌گرایان باید بتوانند الگویی عملی به جهان اسلام ارایه دهند، در حالی که خود در بسیاری موارد نقص دارند، بنابراین الگوی موفق برای جامعه اسلامی نخواهند بود. ما باید

بتوانیم الگوها و چارچوب‌هایی را که با ارزش‌های مورد قبولمان سنخیت دارد به جامعه بشناسانیم تا در بستر این الگوها، ارزش‌های اسلامی را به جهانیان ارایه دهیم.

از دیگر آسیب‌های جریان اصول‌گرا، نداشتن طرح و برنامه مشخص برای حل مسایل و مشکلات عینی و واقعی زنان مبتنی بر آموزه‌های اسلامی است. در حالی که رویکردهای سکولار بر مسایل عینی و واقعی متمرکز می‌شوند به همین دلیل مردم با آنها همراهی می‌کنند. تا زمانی که نتوانیم از بستر آموزه‌ها، احکام و نظام اسلامی راهکارهای عینی و واقعی برای مسایل و مشکلات عینی و واقعی ارایه دهیم، نمی‌توانیم مدعی داشتن الگویی پیشرفته و ارزشی باشیم. بنابراین، باید از بستر احکام اسلامی به مشکلات و مسایل زنان توجه کنیم.

نداشتن برنامه و طرحی مشخص برای ترویج و تبیین رویکردهای اصول‌گرایانه در بین دختران جوان، آسیب دیگر این رویکرد است؛ یعنی در مقابل تلاشی که جریان روشنفکری متأثر از غرب برای همراه و هم‌نوا کردن زنان و دختران جوان با خود دارد (از راه کتاب‌ها، مجله‌ها و...)، جریان اصول‌گرا فعالیت قابل توجهی در این زمینه ندارد.

**پسول:** به نظر شما کارهایی که بعد از انقلاب اسلامی برای بهبود وضعیت زنان انجام شده،

بیشتر در چه مواردی است و چه کارهای دیگری باید انجام شود؟

• نکات و مطالبی که درباره آسیب‌شناسی جریان‌های داخلی گفته شد به معنای نفی دستاوردهای سی ساله انقلاب اسلامی و نادیده گرفتن نقاط قوت آن نیست. می‌دانیم که یکی از علت‌های رشد سرمایه‌داری، نقد دایمی خودش است. سرمایه‌داری و نظام دموکراس لیبرال بیشترین بهره را از نقدهای مارکسیسم برای رشد و توسعه خود برد. با تأسف! جریان‌های اصول‌گرا فاقد نقد درونی هستند و معمولاً نقد را به معنای چالش یا نفی همه چیز تلقی می‌کنند.

به یقین انقلاب اسلامی در داخل و خارج ایران در حوزه زنان، دستاوردهای مهمی داشته است. احیای جریان اصول‌گرایی در جهان اسلام از دستاوردهای انقلاب اسلامی است. قبل از انقلاب اسلامی جریان اصول‌گرای چندان قوی‌ای وجود نداشت. آنچه زنان در سه دهه گذشته در زمینه رشد علمی، تحصیلات، ارتقای جایگاه فرهنگی - اجتماعی و... به آن دست یافته‌اند همه، دستاورد انقلاب اسلامی است. جایگاه زنان در قبل و بعد از انقلاب اسلامی اصلاً قابل مقایسه نیست. در هر حال، ما اگر می‌خواهیم جریان اصول‌گرایی در حوزه زنان که از اندیشه‌های امام راحل تأثیر گرفته و ایجاد شده است پا بر جا بماند و رشد کند باید به آسیب‌شناسی آن پردازیم. آسیب‌شناسی به معنی



طرد و نفی دستاوردهای ارزشمند این جهان نیست. هدف اصلی ما تدوین الگوی شخصیت زن در اسلام است تا بتوانیم جایگاه او را با توجه به آموزه‌های اسلامی در حوزه‌های مختلف تبیین کنیم به گونه‌ای که هم شخصیت و حرمت انسانی او حفظ شود و هم جایگاه و موقعیت اجتماعی مناسبی پیدا کند.

**پهلول:** با توجه به نکاتی که در زمینه مهم‌ترین رویکردهای موجود در جهان اسلام در حوزه مباحث زنان مطرح گردید، به نظر شما به عنوان کارشناس مسایل زنان، برای تقویت رویکرد اصول‌گرایانه در این حوزه چه اقداماتی باید صورت گیرد؟

• آنچه در این گفت‌وگو مطرح شد در زمینه جریان‌ها و رویکردهای موجود در جهان اسلام در حوزه مباحث زنان مطرح شد، نیازمند کار پژوهشی و مطالعه فراوان است. آثاری هم که در این زمینه تألیف شده کتاب صورت‌بندی مطالعات زنان در جهان تألیف آقای محمد پزشکی است که جریان‌های فکری موجود در یک صد ساله اخیر را بررسی می‌کند. کتاب دیگر جریان‌شناسی دفاع از حقوق زنان در ایران است که بنده تألیف نموده‌ام. در فصل آغازین کتاب الگوی جامع شخصیت زن مسلمان، اثر آقای محمد تقی سبحانی نیز موضوع فوق بیان شده است.

با این حال، بر روی این موضوع باید بیشتر مطالعه و تحقیق کنیم؛ یعنی خطر جریان غرب‌گرا در حوزه مسایل زنان را باید درک نماییم. در فصل اول کتاب جریان‌شناسی دفاع از حقوق زنان در ایران، سعی شده است موضوع همسان‌سازی فرهنگی، جهانی‌شدن و تأثیر آن بر حوزه زنان تبیین شود. این موضوع را باید چه در حوزه مباحث پژوهشی آکادمیک و چه در حوزه مباحث تبیینی-ترویجی بررسی کرد. تا روشن شود که برای تقویت گفتمان اصول‌گرایانه در جهان اسلام در حوزه زنان، چه کارهایی باید انجام دهیم. این بحثی، استراتژیک است؛ یعنی باید ابتدا تهدیدها و فرصت‌ها و نقاط قوت و ضعف را شناسایی کنیم و بعد برنامه‌ای برای عمل دهیم.

یک قسمت از گفت‌وگوی ما درباره آسیب‌های پیش‌روی جریان متعادل یا اصول‌گرا بود. این بخش نیز نیازمند مطالعه، تحقیق، بحث و گفت‌وگوی علمی است تا آسیب‌شناسی به صورت بنیادی صورت گیرد و سپس این آسیب‌شناسی به مراکز مربوطه ارائه شود تا برای حل آن برنامه‌ریزی شود.

در حوزه کاربردی، باید برای نهادهای ترویجی، آموزشی، تربیتی و... تقسیم وظایف شود. تا از چندگانه کاری، موازی‌کاری و... پرهیز گردد تا بتوانیم نیازهایی را که در حوزه مباحث زنان وجود

دارد، پوشش دهیم. مسایل و مشکلات زنان در حوزه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... است. از این رو، همه نهادهای جامعه باید در حل آنها مشارکت داشته باشند. نخست باید این مسایل و مشکلات به خوبی شناسایی و آنگاه نهادهای مسئول در این زمینه مشخص شود، سپس برنامه‌های مشخص و زمان‌بندی شده هر نهاد برای رفع این مشکل‌ها تعیین گردد.

### پی‌نوشت‌ها

- ۱- ریچارد نیکسون، فرصت را دریابیم (وظیفه آمریکا در جهانی با یک ابر قدرت)، ترجمه حسین رئیسی نژاد، صص ۲۴۵-۲۴۶.
- ۲- همان، صص ۲۴۶-۲۴۷.
- ۳- همان، ص ۲۴۸.

